

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

طه ﴿١﴾

**فولادوند: طه**

**مکارم: طه.**

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾

**فولادوند: قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی**

**مکارم: ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی.**

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَنْ يَخْشَى ﴿٣﴾

**فولادوند: جز اینکه برای هر که می‌ترسد پندی باشد**

**مکارم: فقط آنرا برای یادآوری کسانی که (از خدا) می‌ترسند نازل ساختیم.**

تَتْرِكًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾

**فولادوند: [کتابی است] نازل شده از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است**

**مکارم: این قرآن از سوی کسی نازل شده که خالق زمین و آسمانهای بلند است.**

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿٥﴾

**فولادوند: خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است**

**مکارم: او خداوندی است رحمن که بر عرش مسلط است.**

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾

**فولادوند: آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است از آن اوست**

**مکارم: از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین و میان این دو و در اعماق زمین وجود دارد.**

وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾

**فولادوند: و اگر سخن به آواز گویی او نهان و نهان‌تر را می‌داند**

**مکارم: اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی) او پنهانها و حتی پنهانتر از آنها نیز میداند!**

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿٨﴾

**فولادوند:** خدایی که جز او معبودی نیست [و] نامهای نیکو به او اختصاص دارد

**مکارم:** او خداوندی است که معبودی جز او نیست و برای او نامهای نیک است.

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾

**فولادوند:** و آیا خبر موسی به تو رسید

**مکارم:** و آیا خبر موسی به تو رسیده است ؟

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى

﴿١٠﴾

**فولادوند:** هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید زیرا من آتشی دیدم امید که پاره‌ای از آن برای شما بیاورم

یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم

**مکارم:** هنگامی که آتشی (از دور) مشاهده کرد و به خانواده خود گفت اندکی مکث کنید که من آتشی دیدم شاید شعله‌ای از

آن را برای شما بیاورم، یا به وسیله این آتش راه را پیدا کنم.

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿١١﴾

**فولادوند:** پس چون بدان رسید ندا داده شد که ای موسی

**مکارم:** هنگامی که نزد آتش آمد ندا داده شد که ای موسی!

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى ﴿١٢﴾

**فولادوند:** این منم پروردگار تو پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی

**مکارم:** من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس طوی هستی.

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿١٣﴾

**فولادوند:** و من تو را برگزیده‌ام پس بدانچه وحی می‌شود گوش فرا ده

**مکارم:** و من تو را (برای مقام رسالت) انتخاب کردم، اکنون به آنچه بر تو وحی می‌شود گوش فرا ده!

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾

**فولادوند:** منم من خدایی که جز من خدایی نیست پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار

**مکارم:** من الله هستم، معبودی جز من نیست، مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به پادار.

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾

**فولادوند:** در حقیقت قیامت فرارسنده است می‌خواهم آن را پوشیده دارم تا هر کسی به [موجب] آنچه می‌کوشد جزا یابد

**مکارم:** رستاخیز بطور قطع خواهد آمد من می‌خواهم آن را پنهان کنم تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود جزا ببیند.

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ﴿١٦﴾

**فولادوند:** پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است تو را از [ایمان به] آن باز دارد که هلاک

خواهی شد

**مکارم:** و هرگز نباید افرادی که ایمان به قیامت ندارند و از هوسهای خویش پیروی کردند تو را از آن باز دارند که هلاک خواهی شد.

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿١٧﴾

**فولادوند:** و ای موسی در دست راست تو چیست

**مکارم:** و چه چیز در دست راست توست ای موسی؟!

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى ﴿١٨﴾

**فولادوند:** گفت این عصای من است بر آن تکیه می‌دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می‌تکنم و کارهای دیگری هم برای من از

آن برمی‌آید

**مکارم:** گفت این عصای من است، بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرو می‌ریزم، و نیازهای دیگری را نیز

با آن برطرف می‌کنم.

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى ﴿١٩﴾

**فولادوند:** فرمود ای موسی آن را بینداز

**مکارم:** گفت ای موسی آنرا بیفکن!

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى ﴿٢٠﴾

**فولادوند:** پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به سرعت می‌خزید

**مکارم:** (موسی) آنرا افکند، ناگهان مار عظیمی شد و شروع به حرکت کرد!

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿٢١﴾

**فولادوند:** فرمود آن را بگیر و مترس به زودی آن را به حال نخستینش بازخواهیم گردانید

**مکارم:** فرمود آنرا بگیر و نترس ما آنرا به همان صورت اول باز می‌گردانیم.

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿٢٢﴾

**فولادوند:** و دست خود را به پهلویت ببر سپید بی گزند برمی آید [این] معجزه‌ای دیگر است  
**مکارم:** و دست خود را در گریبان فرو بر، تا سفید و درخشنده بیعیب بیرون آید، و این معجزه دیگری است.

لُنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿٢٣﴾

**فولادوند:** تا به تو معجزات بزرگ خود را بنمایانیم  
**مکارم:** می خواهیم آیات بزرگ خود را به تو نشان دهیم.

اِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٤﴾

**فولادوند:** به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است  
**مکارم:** برو به سوی فرعون که او طغیان کرده است!

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** گفت پروردگارا سینه‌ام را گشاده گردان  
**مکارم:** عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار.

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** و کارم را برای من آسان ساز  
**مکارم:** کار مرا بر من آسان گردان.

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** و از زبانه گره بگشای  
**مکارم:** و گره از زبانه بگشا.

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** [تا] سخنم را بفهمند  
**مکارم:** تا سخنان مرا بفهمند.

وَاجْعَلْ لِّي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾

**فولادوند:** و برای من دستیاری از کسانم قرار ده  
**مکارم:** وزیری از خاندانم برای من قرار بده.

هَارُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** هارون برادرم را

**مکارم:** برادرم هارون را.

اشدُّ بِهِ أَزْرِي ﴿٣١﴾

**فولادوند:** پشتم را به او استوار کن

**مکارم:** به وسیله او پشتم را محکم کن.

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾

**فولادوند:** و او را شریک کارم گردان

**مکارم:** و او را در کار من شریک گردان.

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾

**فولادوند:** تا تو را فراوان تسبیح گویم

**مکارم:** تا تو را بسیار تسبیح گوئیم.

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾

**فولادوند:** و بسیار به یاد تو باشیم

**مکارم:** و تو را بسیار یاد کنیم.

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾

**فولادوند:** زیرا تو همواره به [حال] ما بینایی

**مکارم:** چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بودهای.

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿٣٦﴾

**فولادوند:** فرمود ای موسی خواستهات به تو داده شد

**مکارم:** فرمود آنچه را خواستههای به تو داده شد، ای موسی!

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿٣٧﴾

**فولادوند:** و به راستی بار دیگر [هم] بر تو منت نهادیم

**مکارم:** و ما بار دیگر نیز تو را مشمول نعمت خود ساختیم.

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**فولادوند:** هنگامی که به مادرت آنچه را که [باید] وحی می‌شد وحی کردیم

**مکارم:** آن زمان که به مادرت آنچه را لازم بود الهام کردیم.

أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي ﴿٣٩﴾

**فولادوند:** که او را در صندوقچه‌ای بگذار سپس در دریا پاش افکن تا دریا [=رود نیل] او را به کرانه اندازد [و] دشمن من و دشمن وی

او را برگردد و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی

**مکارم:** که او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آنرا به ساحل بیفکند، و دشمن من و دشمن او آنرا بگیرد و

من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا در برابر دیدگان (علم) من پرورش یابی.

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدَرًا يَا مُوسَىٰ ﴿٤٠﴾

**فولادوند:** آنگاه که خواهر تو می‌رفت و می‌گفت آیا شما را بر کسی که عهده‌دار او گردد دلالت کنم پس تو را به سوی مادرت

بازگردانیدیم تا دیده‌اش روشن شود و غم نخورد و [سپس] شخصی را کشتی و [ما] تو را از اندوه رهانیدیم و تو را بارها آزمودیم و

سالی چند در میان اهل مدین ماندی سپس ای موسی در زمان مقدر [و مقتضی] آمدی

**مکارم:** در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه میرفت و میگفت آیا خانواده‌های را به شما نشان دهم که این نوزاد را

کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای اوست) و به دنبال آن ما تو را به مادرت بازگردانیدیم تا چشمش به تو روشن شود، و غمگین

نگردد، و تو کسی (از فرعونیان) را کشتی اما ما تو را از اندوه نجات دادیم، پس از آن سالیانی در میان مردم مدین توقف نمودی و تو

را بارها آزمودیم سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به اینجا آمدی.

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾

**فولادوند:** و تو را برای خود پروردم

**مکارم:** و من تو را برای خودم پرورش دادم!

أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾

**فولادوند:** تو و برادرت معجزه‌های مرا [برای مردم] ببرید و در یادکردن من سستی نکنید

**مکارم:** تو و برادرت با آیات من به سوی فرعون بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید.

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾

**فولادوند:** به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته

**مکارم:** به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است.

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿٤٤﴾

**فولادوند:** و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد

**مکارم:** اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد.

قَالَ رَبَّنَا إِنَّنا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى ﴿٤٥﴾

**فولادوند:** آن دو گفتند پروردگارا ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند

**مکارم:** (موسی و هارون) گفتند: پروردگارا! از این می‌ترسیم که او بر ما پیشی بگیرد یا طغیان کند.

قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿٤٦﴾

**فولادوند:** فرمود مترسید من همراه شما می‌شنوم و می‌بینم

**مکارم:** فرمود نترسید، من با شما هستم (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم!

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ  
مَنْ أَتْبَعَ الْهُدَى ﴿٤٧﴾

**فولادوند:** پس به سوی او بروید و بگوئید ما دو فرستاده پروردگار توایم پس فرزندان اسرائیل را با ما بفرست و عذابشان مکن به

راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه‌ای آورده‌ایم و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد

**مکارم:** شما به سراغ او بروید و بگوئید: ما فرستاده‌های پروردگار توئیم، بنی اسرائیل را با ما بفرست، و آنها را شکنجه و آزار مکن،

ما آیت روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم و سلام و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند.

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٤٨﴾

**فولادوند:** در حقیقت به سوی ما وحی آمده که عذاب بر کسی است که تکذیب کند و روی گرداند

**مکارم:** (به او بگوئید) به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی) را تکذیب کند و سرپیچی نماید.

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى ﴿٤٩﴾

**فولادوند:** [فرعون] گفت ای موسی پروردگار شما دو تن کیست

**مکارم:** (فرعون) گفت پروردگار شما کیست، ای موسی؟!

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿٥٠﴾

**فولادوند:** گفت پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است

**مکارم:** گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بود داده، سپس رهبریش کرده است.

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿٥١﴾

**فولادوند:** گفت حال نسلهای گذشته چون است

**مکارم:** گفت: پس تکلیف پیشینیان ما چه خواهد شد؟

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** گفت علم آن در کتابی نزد پروردگار من است پروردگارم نه خطا می‌کند و نه فراموش می‌نماید

**مکارم:** گفت: آگاهی مربوط به آنها نزد پروردگار من در کتابی ثبت است پروردگار من هرگز گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ ثَبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾

**فولادوند:** همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به

وسیله آن رستنیهای گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم

**مکارم:** همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد، و راههایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد که به

وسیله آن انواع گوناگون گیاهان مختلف را (از خاک تیره) برآوردیم.

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾

**فولادوند:** بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعا در اینها برای خردمندان نشانه‌هایی است

**مکارم:** هم خودتان بخورید و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید که در این نشانه‌های روشنی است برای صاحبان عقل.

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾

**فولادوند:** از این [زمین] شما را آفریده‌ایم در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم

**مکارم:** ما شما را از آن (خاک) آفریدیم و در آن باز میگردانیم و از آن نیز بار دیگر شما را بیرون می‌آوریم.

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿٥٦﴾

**فولادوند:** در حقیقت [ما] همه آیات خود را به [فرعون] نشان دادیم ولی [او آنها را] دروغ پنداشت و نپذیرفت

**مکارم:** ما همه آیات خود را به او نشان دادیم اما او تکذیب کرد و سر باز زد!

قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾

**فولادوند:** گفت ای موسی آمده‌ای تا با سحر خود ما را از سرزمینمان بیرون کنی



**مکارم:** گفت: ای موسی! آیا آمده‌ای که ما را از سرزمینمان با این سحر بیرون کنی؟!

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾

**فولادوند:** ما [هم] قطعاً برای تو سحری مثل آن خواهیم آورد پس میان ما و خودت موعدی بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو [آن هم] در جایی هموار

**مکارم:** ما هم قطعاً سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد، هم اکنون (تاریخش را تعیین کن و) موعادی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو از آن تخلف نکنیم، آنهم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾

**فولادوند:** [موسی] گفت موعده شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می‌آیند

**مکارم:** گفت موعاد ما و شما روز زینت (روز عید) است، مشروط بر اینکه همه مردم هنگامی که روز بالا می‌آید جمع شوند.

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾

**فولادوند:** پس فرعون رفت و [همه] نیرنگ خود را گرد آورد و بازآمد

**مکارم:** فرعون آن مجلس را ترك گفت، و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد، و سپس همه را (در روز موعود) آورد.

قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَّا تَفْتُرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى ﴿٦١﴾

**فولادوند:** موسی به [ساحران] گفت وای بر شما به خدا دروغ مبنید که شما را به عذابی [سخت] هلاک می‌کند و هر که دروغ بندد نومید می‌گردد

**مکارم:** موسی به آنها گفت: وای بر شما دروغ بر خدا نبندید که شما را با عذاب خود نابود می‌سازد، و نومیدی و (شکست) از آن کسی است که دروغ (بر خدا) ببندد.

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى ﴿٦٢﴾

**فولادوند:** [ساحران] میان خود در باره کارشان به نزاع برخاستند و به نجوا پرداختند

**مکارم:** آنها در میان خود در ادامه راهشان به نزاع برخاستند و مخفیانه و درگوشی با هم سخن گفتند.

قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى ﴿٦٣﴾

**فولادوند:** [فرعونیان] گفتند قطعاً این دو تن ساحرند [و] می‌خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند و آیین والای شما را براندازند

**مکارم:** گفتند: این دو مسلماً ساحرند، می‌خواهند شما را با سحرشان از سرزمینتان بیرون کنند، و آئین عالی شما را از بین

ببرند!

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوَا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى ﴿٦٤﴾

**فولادوند:** پس نیرنگ خود را گرد آورید و به صف پیش آید در حقیقت امروز هر که فایق آید خوشبخت می‌شود

**مکارم:** اکنون که چنین است تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید و در يك صف (به میدان مبارزه) بیایید، و رستگاری امروز از آن

کسی است که برتری خودش را اثبات کند!

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾

**فولادوند:** [ساحران] گفتند ای موسی یا تو می‌افکنی یا [ما] نخستین کس باشیم که می‌اندازیم

**مکارم:** (ساحران) گفتند ای موسی آیا تو اول (عصای خود را) می‌افکنی یا ما اول بیفکنیم؟!

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾

**فولادوند:** گفت [نه] بلکه شما بیندازید پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی‌هایشان بر اثر سحرشان در خیال او [چنین] می‌نمود که

آنها به شتاب می‌خزند

**مکارم:** گفت: شما اول بیفکنید، در این هنگام طنابها و عصاهایشان بخاطر سحر آنها چنان به نظر می‌رسید که حرکت می‌کنند!

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾

**فولادوند:** و موسی در خود بیمی احساس کرد

**مکارم:** در این هنگام موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد.

قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾

**فولادوند:** گفتیم مترس که تو خود برتری

**مکارم:** گفتیم: نترس تو مسلما (پیروز و) برتری!

وَأَلْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾

**فولادوند:** و آنچه در دست راست داری بینداز تا هر چه را ساخته‌اند ببلعد در حقیقت آنچه سرهم‌بندی کرده‌اند افسون افسونگر

است و افسونگر هر جا برود رستگار نمی‌شود

**مکارم:** و چیزی را که در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را آنها ساخته‌اند می‌بلعد، چرا که آن تنها مکر ساحر است، و ساحر

هر کجا برود رستگار نخواهد شد.

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾

**فولادوند:** پس ساحران به سجده درافتادند گفتند به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم

**مکارم:** (موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم!!

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ  
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿٧١﴾

**فولادوند:** [فرعون] گفت آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید قطعا او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است پس بی شک دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت‌خرما به دار می‌آوریم تا خوب بدانید عذاب کدام يك از ما سخت‌تر و پایدارتر است

**مکارم:** (فرعون) گفت آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلما او بزرگ شماس است که سحر به شما آموخته، بی‌یقین دست و پاهای شما را بطور مختلف قطع می‌کنم و بر فراز شاخه‌های نخل به دار می‌آوریم، و خواهید دانست کداميك از ما مجازاتش دردناکتر و پایدارتر است!

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾

**فولادوند:** گفتند ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است ترجیح نخواهیم داد پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو] حکم می‌رانی

**مکارم:** گفتند به خدائی که ما را آفریده ما تو را هرگز بر دلائل روشنی که به ما رسیده مقدم نخواهیم داشت، هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها میتوانی در این زندگی دنیا داوری کنی.

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾

**فولادوند:** ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشد و خدا بهتر و پایدارتر است

**مکارم:** ما به پروردگاران ایمان آوردیم تا گناهان ما و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشد، و خدا بهتر و باقیتر است.

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾

**فولادوند:** در حقیقت هر که به نزد پروردگارش گنهکار رود جهنم برای اوست در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد

**مکارم:** هر کس مجرم در محضر پروردگارش حاضر شود آتش دوزخ برای اوست، که نه در آن می‌میرد و نه زنده می‌شود!

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٧٥﴾

**فولادوند:** و هر که مؤمن به نزد او رود در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد برای آنان درجات والا خواهد بود

**مکارم:** و هر کس مؤمن باشد و عمل صالح انجام داده باشد در محضر او حاضر شود درجات عالی برای اوست.

جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾

**فولادوند:** بهشتهای عدن که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است جاودانه در آن میمانند و این است پاداش کسی که به پاکی

گراید

**مکارم:** باغهای جاویدان بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است همیشه در آن خواهند بود و اینست پاداش کسی که خود را

پاک کند!

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى

﴿٧٧﴾

**فولادوند:** و در حقیقت به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه ببر و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرارسیدن

[دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی

**مکارم:** ما به موسی وحی فرستادیم که بندگانم را شبانه (از مصر) با خود ببر، و برای آنها راهی خشک در دریا بگشا که نه از

تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا!

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾

**فولادوند:** پس فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کرد و [لی] از دریا آنچه آنان را فرو پوشانید فرو پوشانید

**مکارم:** (به این ترتیب) فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کردند، و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانید!

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ﴿٧٩﴾

**فولادوند:** و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت ننمود

**مکارم:** و فرعون قوم خود را گمراه ساخت، و هرگز هدایت نکرد!

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ

﴿٨٠﴾

**فولادوند:** ای فرزندان اسرائیل در حقیقت [ما] شما را از [دست] دشمنتان رهانیدیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و

بر شما ترنجبین و بلدرچین فرو فرستادیم

**مکارم:** ای بنی اسرائیل ما شما را از (چنگال) دشمنتان نجات دادیم، و در طرف راست کوه طور با شما وعده گذاردیم، و من و

سلوی بر شما نازل کردیم.

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ



**فولادوند:** از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید و [ولی] در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است

**مکارم:** بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما دادیم، ولی در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما وارد خواهد شد، و هر کس غضب من بر او وارد شود سقوط می‌کند.

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴿٨٢﴾

**فولادوند:** و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود  
**مکارم:** من کسانی را که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و سپس هدایت شوند می‌آمرزم.

وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٨٣﴾

**فولادوند:** و ای موسی چه چیز تو را [دور] از قوم خودت به شتاب واداشته است

**مکارم:** ای موسی چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟!

قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ﴿٨٤﴾

**فولادوند:** گفت اینان در پی منند و من ای پروردگارم به سویت شتافتم تا خشنود شوی

**مکارم:** عرض کرد: پروردگارا! آنها به دنبال منند، و من عجله کردم به سوی تو تا از من راضی شوی.

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾

**فولادوند:** فرمود در حقیقت ما قوم تو را پس از [عزیمت] تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت

**مکارم:** فرمود ما قوم تو را بعد از تو به آزمایش گذاردیم، و سامری آنها را گمراه کرد!

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ

أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ﴿٨٦﴾

**فولادوند:** پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت [و] گفت ای قوم من آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو

نداد آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید

**مکارم:** موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: مگر پروردگار شما وعده نیکویی به شما نداد؟ آیا مدت

جدائی من از شما بطول انجامیده ؟ یا میخواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ



**فولادوند:** گفتند ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم ولی از زینت آلات قوم بارهایی سنگین بر دوش داشتیم و آنها را افکندیم

و [خود] سامری [هم زینت آلتش را] همین گونه بینداخت

**مکارم:** گفتند: ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم، ولی ما مقداری از زینت آلات قوم را که با خود داشتیم افکندیم، و

سامری اینچنین القا کرد.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾

**فولادوند:** پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد و [او و پیروانش] گفتند این خدای شما و خدای موسی

است و [پیمان خدا را] فراموش کرد

**مکارم:** و برای آنها مجسمه‌های از گوساله که صدائی همچون صدای گوساله داشت خارج ساخت، و گفتند این خدای شما و

خدای موسی است! و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود).

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾

**فولادوند:** مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زیانی ندارد

**مکارم:** آیا آنها نمی‌بینند که (این گوساله) پاسخ آنها را نمی‌دهد؟ و مالک هیچگونه نفع و ضرری از آنها نیست؟!

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾

**فولادوند:** و در حقیقت هارون قبلا به آنان گفته بود ای قوم من شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و پروردگار

شما [خدای] رحمان است پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید

**مکارم:** و هارون قبل از آن به آنها گفته بود که ای قوم! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفتید، پروردگار شما خداوند رحمان

است، از من پیروی کنید و اطاعت فرمان من نمائید.

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾

**فولادوند:** گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد

**مکارم:** ولی آنها گفتند ما همچنان بر گرد آن میگردیم (و به پرستش گوساله ادامه میدهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾

**فولادوند:** [موسی] گفت ای هارون وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد

**مکارم:** گفت: ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند.

## أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾

**فولادوند:** که از من پیروی کنی آیا از فرمانم سر باز زدی

**مکارم:** از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

## ﴿٩٤﴾

**فولادوند:** گفت ای پسر مادرم نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را من ترسیدم بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سختم را مراعات نکردی

**مکارم:** گفت: ای فرزند مادرم! ریش و سر مرا مگیر!، من ترسیدم بگوئی تو میان بنی - اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا به کار نبستی.

## قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾

**فولادوند:** [موسی] گفت ای سامری منظور تو چه بود

**مکارم:** (موسی رو به سامری کرد و) گفت، تو چرا این کار کردی، ای سامری؟!

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

## ﴿٩٦﴾

**فولادوند:** گفت به چیزی که [دیگران] به آن پی نبردند پی بردم و به قدر مشتکی از رد پای فرستاده [خدا جبرئیل] برداشتم و آن را در پیکر [گوساله] انداختم و نفس من برایم چنین فریبکاری کرد

**مکارم:** گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند، من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آنرا افکندم، و این چنین نفس من مطلب را در نظرم جلوه داد!

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ يُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

**فولادوند:** گفت پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی [به من] دست مزیند و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد و [اینک] به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم [و] در دریا فرو می‌پاشیم

**مکارم:** (موسی) گفت: برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) خواهی گفت با من تماس نگیر! و تو مبعادی (از عذاب خدا) داری که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد، (اکنون) بنگر به معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و

بین ما آنرا نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم!

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

**فولادوند:** معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست و دانش او همه چیز را در بر گرفته است

**مکارم:** معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نمی‌باشد، و علم او همه چیز را فرا گرفته.

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

**فولادوند:** این گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می‌رانیم و مسلما به تو از جانب خود قرآنی داده‌ایم

**مکارم:** اینچنین اخبار گذشته را برای تو بازگو می‌کنیم، و ما از ناحیه خود ذکر (و قرآنی) به تو دادیم.

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

**فولادوند:** هر کس از [پیروی] آن روی برتابد روز قیامت بار گناهی بر دوش می‌گیرد

**مکارم:** هر کس از آن روی گردان شود روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسئولیت) بر دوش خواهد داشت!

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

**فولادوند:** پیوسته در آن [حال] می‌ماند و چه بد باری روز قیامت خواهند داشت

**مکارم:** جاودانه در آن خواهند ماند، و بد باری است برای آنها در روز قیامت!

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾

**فولادوند:** [همان] روزی که در صور دمیده می‌شود و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم

**مکارم:** همان روز که در صور دمیده می‌شود و مجرمان را با بدنهای کبود در آن روز جمع می‌کنیم.

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾

**فولادوند:** میان خود به طور پنهانی با یکدیگر می‌گویند شما [در دنیا] جز ده [روز بیش] نمانده‌اید

**مکارم:** آنها در میان خود آهسته گفتگو می‌کنند (بعضی می‌گویند) شما تنها ده (شبانه روز در عالم برزخ)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾

**فولادوند:** ما داناتریم به آنچه می‌گویند آنگاه که نیک‌آیین‌ترین آنان می‌گویند جز يك روز بیش نمانده‌اید

**مکارم:** ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم، هنگامی که آن کس که از همه آنها روشی بهتر دارد می‌گوید شما تنها يك روز درنگ

کردید!

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾



**فولادوند:** و از تو در باره کوهها می‌پرسند بگو پروردگام آنها را [در قیامت] ریز ریز خواهد ساخت

**مکارم:** و از تو در باره کوهها سؤال می‌کنند، بگو: پروردگام آنها را (متلاشی کرد).

﴿۱۰۶﴾

**فولادوند:** پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد

**مکارم:** سپس زمین را صاف و هموار و بیاب و گیاه رها می‌سازد!

﴿۱۰۷﴾

**فولادوند:** نه در آن کژی می‌بینی و نه ناهمواری

**مکارم:** به گونه‌ای که در آن هیچ پستی و بلندی نمی‌بینی!

﴿۱۰۸﴾

**فولادوند:** در آن روز [همه مردم] داعی [حق] را که هیچ انحرافی در او نیست پیروی می‌کنند و صداها در مقابل [خدای] رحمان

خاشع می‌گردد و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی

**مکارم:** در آن روز همگی از دعوت کننده الهی پیروی کرده (و دعوت او را به حیات مجدد لبیک می‌گویند) و همه صداها در برابر

(عظمت) خداوند رحمان خاضع می‌گردد، و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی!

﴿۱۰۹﴾

**فولادوند:** در آن روز شفاعت [به کسی] سود نبخشد مگر کسی را که [خدای] رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید

**مکارم:** در آن روز شفاعت (هیچکس) سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و از گفتار او راضی است.

﴿۱۱۰﴾

**فولادوند:** آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت‌سر گذاشته‌اند می‌داند و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند

**مکارم:** آنچه را آنها (مجرمان) در پیش دارند و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشتند می‌داند، ولی آنها احاطه به (علم) او ندارند.

﴿۱۱۱﴾

**فولادوند:** و چهره‌ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می‌کنند و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می‌ماند

**مکارم:** و همه چهره‌ها (در آن روز) در برابر خداوند حی قیوم خاضع می‌شود، و مایوس (و زیانکار) کسانی که بار ظلم بر دوش

کشیدند!

﴿۱۱۲﴾

**فولادوند:** و هر کس کارهای شایسته کند در حالی که مؤمن باشد نه از ستمی می‌هراسد و نه از کاسته شدن [حقش]

**مکارم:** (اما) آن کس که اعمال صالحی انجام دهد در حالی که مؤمن باشد نه از ظلمی می‌ترسد، و نه از نقصان حقش.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

**فولادوند:** و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم شاید آنان راه تقوا در پیش

گیرند یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد

**مکارم:** و اینگونه آنرا قرآنی عربی (فصیح و گویا) نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذار) را در آن بازگو نمودیم، شاید آنها تقوا پیشه

کنند، یا برای آنان تذکری ایجاد نماید!

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

﴿١١٤﴾

**فولادوند:** پس بلندمرتبه است خدا فرمانروای بر حق و در [خواندن] قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن و بگو

پروردگارا بر دانشم بیفزای

**مکارم:** پس بلند مرتبه است خداوندی که سلطان حق است، و نسبت به قرآن عجله مکن پیش از آن که وحی آن بر تو تمام شود،

و بگو پروردگارا علم مرا افزون کن!

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

**فولادوند:** و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم و [لی آن را] فراموش کرد و برای او عزمی [استوار] نیافتیم

**مکارم:** ما از آدم از قبل پیمان گرفته بودیم، اما او فراموش کرد، عزم استواری برای او نیافتیم!

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿١١٦﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند

**مکارم:** آن هنگام که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد (و سجده نکرد).

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾

**فولادوند:** پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زهار تا شما را از بهشت به در

نکند تا تیره‌بخت گردی

**مکارم:** گفتیم: ای آدم این دشمن تو و همسر تو است، مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد.

إِنَّ لَكَ أَلًّا تَجُوعُ فِيهَا وَلَا تَعْرِى ﴿١١٨﴾

**فولادوند:** در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی

**مکارم:** (اما تو در بهشت راحت هستی) در آن گرسنه نمی‌شوی، و برهنه نخواهی شد.

وَأَنْتَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿١١٩﴾

**فولادوند:** و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می‌گردد و نه آفتاب‌زده

**مکارم:** و در آن تشنه نمی‌شوی و حرارت آفتاب آزارت نمی‌دهد!

فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾

**فولادوند:** پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم

**مکارم:** ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت عمر جاویدان و ملک فناپذیر راهنمایی کنم؟!

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى

﴿١٢١﴾

**فولادوند:** آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر

خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت

**مکارم:** سرانجام هر دو از آن خوردند (و لباس بهشتیشان فرو ریخت) و عورتشان آشکار گشت و از برگهای (درختان) بهشتی برای

پوشاندن خود جامه دوختند، (بالاخره) آدم نافرمانی پروردگارش را کرد و از پاداش او محروم شد!

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿١٢٢﴾

**فولادوند:** سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشد و [وی را] هدایت کرد

**مکارم:** سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش کرد.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى

﴿١٢٣﴾

**فولادوند:** فرمود همگی از آن [مقام] فرود آید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب

من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت

**مکارم:** (خداوند) فرمود: هر دو (همچنین شیطان) از آن (بهشت) فرود آئید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود، ولی هر گاه

هدایت من به سراغ شما آید هر کس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾

**فولادوند:** و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور

**مکارم:** و هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی تنگ (و سختی) خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسور میکنیم.

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

**فولادوند:** می‌گوید پروردگارا چرا مرا نابینا محسور کردی با آنکه بینا بودم

**مکارم:** می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی؟ من که بینا بودم!

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴿١٢٦﴾

**فولادوند:** می‌فرماید همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی امروز همان گونه فراموش می‌شوی

**مکارم:** می‌فرماید: این بخاطر آن است که آیات من به تو رسید و آنها را فراموش کردی. امروز نیز تو فراموش خواهی شد!

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾

**فولادوند:** و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگروریده است سزا می‌دهیم و قطعاً شکنجه آخرت

سخت‌تر و پایدارتر است

**مکارم:** و اینگونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است!

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ

﴿١٢٨﴾

**فولادوند:** آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهای ایشان راه

می‌روند به راستی برای خردمندان در این [امر] نشانه‌هایی [عبرت‌انگیز] است

**مکارم:** آیا برای هدایت آنها کافی نیست که بسیاری از پیشینیان را (که طغیان و فساد کردند) هلاک کردیم و اینها در مساکن

(ویران شده) آنان رفت و آمد دارند در اینها دلائل روشنی است برای صاحبان عقل.

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾

**فولادوند:** و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدی معین مقرر نشده بود قطعاً [عذاب آنها] لازم می‌آمد

**مکارم:** و اگر سنت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرر نبود عذاب الهی به زودی دامان آنها را میگرفت.

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ

وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ﴿١٣٠﴾

**فولادوند:** پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح

گوی و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پردازد باشد که خشنود گردی

**مکارم:** بنابراین در برابر آنچه آنها می‌گویند صبر کن و قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن و همچنین در اثناء شب و اطراف روز تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور تا خشنود شوی.

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ



**فولادوند:** و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم دیدگان خود مدور و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است

**مکارم:** و هرگز چشم خود را به نعمتهای مادی که به گروههایی از آنها داده‌ایم میفکن که اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست و برای آنست که آنان را با آن بیازمائیم و روزی پروردگارت بهتر و پاید

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ﴿١٣٢﴾

**فولادوند:** و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است

**مکارم:** و خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن شکبیا باش ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقوا است.

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوْلَمَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾

**فولادوند:** و گفتند چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای برای ما نمی‌آورد آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه‌های پیشین است برای آنان نیامده است

**مکارم:** و آنها گفتند چرا (پیامبر) معجزه و نشانه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد بگو آیا خبرهای روشن اقوام پیشین که در کتب آسمانی نخستین بوده است برای آنها نیامد.

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا رَسُولًا فَنتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ

وَنَخْزِي ﴿١٣٤﴾

**فولادوند:** و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم قطعاً می‌گفتند پروردگارا چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم

**مکارم:** و اگر ما آنها را قبل از آن (قبل از نزول قرآن) با عذابی هلاک می‌کردیم (در قیامت) می‌گفتند پروردگارا چرا برای ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم.

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿١٣٥﴾

**فولادوند:** بگو همه در انتظارند پس در انتظار باشید زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است  
**مکارم:** بگو همه (ما و شما) در انتظاریم (ما در انتظار وعده پیروزی بر شما هستیم و شما در انتظار شکست ما) حال چنین است  
انتظار بکشید اما به زودی میدانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم است و چه کسی هدایت یافته است.

